

راهبرد اوراسیاگرایی روسیه در قبال جنگ اوکراین؛ با نگاهی به چین

محمد جلائی؛ صدیقه آذین^۲

۱۳

دوره ۷، شماره ۱، پیاپی ۱۳
بهار و تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۶/۲۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۱/۲۰

صص: ۱۶۶-۱۴۹

شاپا چاپی: ۲۵۳۸-۵۶۴X

شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۵۵۱



CC BY-NC-SA

چکیده

اگرچه منازعه روسیه و اوکراین براساس گزاره‌های ژئوپلیتیکی همچون گسترش ناتو به شرق اروپا تفسیر می‌گردد؛ اما تهاجم روسیه به اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ با رمز عملیات ویژه نظامی می‌تواند مصداق برون‌ی جهان چندنظمی و نشان‌دهنده واقعیت کنونی جهان باشد. بنابراین این مقاله علاوه بر بررسی مجموعه دلایلی که پوتین تصمیم به حمله به اوکراین گرفت، به نقش پیچیده چین در حمایت از روسیه نیز می‌پردازد. از این رو سؤال پژوهش این است که راهبرد روسیه به رهبری ولادیمیر پوتین در جنگ اوکراین ۲۰۲۲ بر چه مبنایی بوده و استراتژی اوراسیاگرایی روسیه در قبال این جنگ با حمایت چین چه تأثیری در شکل‌گیری جهان چندقطبی ایفا نموده است؟ در پاسخ فرضیه مقاله آن است که راهبرد اوراسیاگرایی روسیه مانند حضور نظامی در اوکراین و پیوسته‌سازی شبه جزیره کریمه و مناطق خودمختار اوکراین به خاک این کشور در سال ۲۰۲۲، نشان‌دهنده چرخش تمدنی روسیه و تجدید ارزش‌های سستی به‌عنوان عناصر اساسی راهبردی سیاست خارجی کرملین در جست‌وجوی جایگاه خود به‌عنوان قدرت بزرگ بوده است و همراهی چین با روسیه در بحران اوکراین زمینه را برای ایجاد یک بلوک قدرتمند شرقی و گذار از نظام تک‌قطبی به نظم چندقطبی فراهم می‌نماید. بدین منظور این مقاله به این نتیجه رسیده است که روسیه با مجموعه اقدامات خود پس از اوکراین به همراهی چین زمینه لازم را برای یک بلوک قدرتمند جدید محیا و فرضیه موجود را تأیید و تأکید می‌کند. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با کاربست چارچوب نظری واقع‌گرایی تهاجمی مورد تبیین قرار خواهد گرفت.

کلیدواژه‌ها: پوتین، شی جین پینگ، اوکراین، روسیه، چین.

DOI: 10.22080/jpir.2024.26019.1349

۱. عضو هیئت علمی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، رشت، ایران. (نویسنده مسئول)

m220b92@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، رشت، ایران

۱. مقدمه

سیاست اوراسیاگرایی روسیه از بطن نیازهای موجود در کرملین از خاکسترهای دوران شوروی برای تجدید قدرت بلند شده است. روسیه‌ای که وامدار امپراطوری عظیم شوروی بوده پس از فروپاشی این قلمروی عظیم و تجزیه آن به صورت امروزی، سیاست‌های متفاوتی را همچون غرب‌گرایی، اوراسیاگرایی و .. برای احیای خود دنبال کرده است. شاید غرب‌گرایی را بتوان تا پایان دهه ۱۹۹۰ برای درک رفتار روسیه در نظر گرفت، اما از آغاز دهه ۲۰۰۰ اوراسیاگرایی با خط‌مشی تفکر پوتین و همفکرانش بر روی روسیه سایه افکنده است. تفکر اوراسیاگرایی ضمن توجه به غرب نگاه خود را معطوف به پشت دروازه‌های کشور می‌کند. در واقع منظور مرزهای است که تا پیش از این در درون روسیه تعریف می‌شدند و اینک هر یک کشورهای مستقلی شده‌اند. بنابراین اوراسیاگرایی موجب شده است تا کوچک‌ترین عملی در کشورهای جداشده از شوروی سابق، منجر به عکس‌العملی جدی در روسیه شود. البته این تفکر صرفاً منوط به همسایگان بزرگ و کوچک نبود، بلکه قدرت‌های بزرگ و متوسط مناطق دیگر همچون چین را نیز در این دایره وارد می‌کند.

در نتیجه چنین امری موجب شده است تا روسیه در طی سالیان اخیر همواره به سیاست‌های خود جامعه مشروعیت ببوشاند و هر عملی که منافعی با کرملین باشد و یا امنیت ملی این کشور را به خطر اندازد، دلیلی برای عکس‌العمل و اقدام خود در نظر بگیرد. اوکراین نمود عینی و برون‌ی رفتار روسیه در جهان خارج است. شاید بتوان جدی‌ترین اقدام روسیه را در سایه جهان نوینی که پس از فروپاشی در روابط بین‌الملل شاهد آن هستیم، عملیات ویژه نظامی این کشور در اوکراین بدانیم. اوکراینی که از منظر روسیه دارای اهمیت بسیار است و حتی از نقطه نظر برخی کارشناسان این کشور با اوکراین یک قدرت جهانی است و بدون آن صرفاً یک قدرتی منطقه‌ای می‌باشد (حلالخور و سعیدی‌راد، ۱۴۰۱: ۸۳)؛ اما اکنون این کشور می‌خواهد دایره ناتو را به مرزهای روسیه نزدیک کند و همچنین به روس تباران خود البته از نگاه روسیه فشار وارد آورده است. بنابراین از دید سیاست‌مداران کرملین یا باید نظر خود را تغییر دهد یا تبعات جنگ را بپذیرد. بنابراین با انتخاب کی‌یف و سوگیری آن به سمت ناتو روسیه اقدام به حمله نظامی علیه اوکراین کرده است. عملی که خط جدیدی برای تقسیم جهان به موافقین و مخالفین روسیه شده به گونه‌ای که برخی از قدرت‌های حاضر در جهان در جبهه اوکراین و برخی در جبهه

روسیه هستند. بدین وسیله در نگاه اروپا شاید روسیه شروع‌کننده و مقصر اول و آخر تلقی شود؛ اما هستند کشورهای که در جبهه روسیه ایستاده و از موضع این کشور یا با سکوت و یا حمایت قطعی دفاع می‌کنند. یکی از بازیگرانی که سعی در آرامش میان طرفین داشت و به مرور نشان داده شد که بیش از اوکراین از روسیه جانبداری خواهد کرد، کشور چین بوده است. این کشور که در طی سال‌های اخیر سعی در ارتباط مثبت با همه کشورهای جهان داشته است و از سوگیری‌های سیاسی و نظامی اجتناب کرده است در بحث اوکراین اما برخی را بر آن داشت که علاوه بر ایده‌های این کشور برای صلح میان طرفین، نقش آن را در سوی روسیه تعریف کنند (Armitage, 2021).

بنابراین این تقسیم موجب می‌شود تا افرادی همچون فلاکهارت بیان کنند این جنگ نشان‌دهنده جهان چند نظامی است؛ اگرچه ویژگی‌های دیگر چنین فضایی هنوز در حال آشکار شدن است (Flockhart, 2016: 15). بنابراین می‌توان جنگ ۲۰۲۲، اوراسیاگرایی روسیه و نظم جدید را حلقه‌های در هم تنیده‌ای دانست که می‌تواند در روابط بین‌الملل براساس برخی از تحلیل‌ها نظم جدید را جایگزین نظم نولیبرالی سازد. بنابراین با توجه رفتارهایی همانند سفر شی به روسیه و روابط مناسبی که میان طرفین ایجاد و حتی صحبت‌هایی از ایجاد نظامی جدید به رهبری بلوک شرق در محافل علمی مطرح شده است در این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش هستیم که راهبرد روسیه به رهبری پوتین در جنگ اوکراین ۲۰۲۲ بر چه مبنایی بوده و این مبنای رفتاری با همراهی چین چه دستاوردهایی برای بلوک شرق داشته است؟ در پاسخ فرضیه مقاله آن است که راهبرد اوراسیاگرایی روسیه مانند حضور نظامی در اوکراین و پیوسته‌سازی شبه جزیره کریمه و مناطق خودمختار اوکراین به خاک این کشور در سال ۲۰۲۲، نشان‌دهنده چرخش تمدنی روسیه و تجدید ارزش‌های سستی به‌عنوان عناصر اساسی راهبردی سیاست خارجی کرملین در جست‌وجوی جایگاه خود به‌عنوان قدرت بزرگ بوده است و همراهی چین با روسیه در بحران اوکراین زمینه را برای ایجاد یک بلوک قدرتمند شرقی و گذار از نظام تک‌قطبی به نظم چندقطبی فراهم می‌نماید. در سازمان‌دهی مقاله بعد از ارائه مختصری از پیشینه پژوهش، به چارچوب نظری پژوهش که منبعث از نظریات واقع‌گرایی تهاجمی است، پرداخته خواهد شد. در بخش بعدی به استراتژی پوتین در قبال جنگ اوکراین و واکنش‌های بین‌المللی نسبت به اقدامات روسیه می‌پردازیم و در نهایت به سیاست چین در قبال اوکراین، همراهی این دو کشور و مقابله با سیاست‌های بلوک غرب به رهبری آمریکا پرداخته می‌شود.

۲- پیشینه تحقیق

در پیشینه پژوهش، حول محور بحث مورد نظر پژوهش‌هایی صورت گرفته است که در ادامه به تشریح آنان خواهیم پرداخت.

نهاد و امیدی (۱۴۰۱) در مقاله "نقش هویت فرهنگی در تشدید منازعه روسیه و اوکراین" به بحث منازعه روسیه و اوکراین پرداخته‌اند و بیان داشته‌اند که منازعه میان طرفین اغلب بر اساس گزاره‌های ژئوپلیتیکی همچون گسترش ناتو به شرق اروپا تفسیر می‌گردد، اما از این نکته غافل مانده‌اند که هویت فرهنگی و استنباط نخبگان سیاسی دو طرف از آن نیز نقش شاخصی را در تشدید این پیکار ایفا نموده است. در ادامه تشریح کرده‌اند که سیاست‌های واکنشی دو طرف نسبت به یکدیگر در پیوند با تحقیرهای گذشته و تهدیدهای کنونی، دارای ریشه‌هایی منبعث از هویت فرهنگی "متباین و متقارب" روسی و اوکراینی می‌باشد. ریشه‌هایی که در کالبد انگاره‌های تاریخی، قومیتی، زبانی و دینی، منجر به تشدید منازعه کنونی دو کشور گردیده است. اصفهانی و فرحمند (۱۴۰۱) در مقاله "جنگ روسیه- اوکراین و آینده نظم بین‌المللی" توضیح داده‌اند که جنگ در اوکراین اگرچه به لحاظ ژئوپلیتیک، جنگ شمال-شمال و اروپامحور به‌شمار می‌آید، اما در عمل درگیری قدرت جهانی است که حول محور فروپاشی پیش‌بینی شده هژمونی جهانی ایالات متحده متمرکز شده و آشکارا صلح آمریکایی را به چالش می‌کشد. تأثیر این جنگ در سطح بین‌الملل، قطبی شدن بیش از پیش امنیت بین‌الملل و ژئوپلیتیک‌تر شدن سیاست بین‌الملل خواهد بود. این جنگ همچنین، سبب تقویت موقعیت رهبری ایالات متحده در سطح جهان، به هزینه شرکای اروپایی شده است.

کریکوویچ و پلیشیاری (۲۰۲۱) در مقاله خود با عنوان "از اروپای بزرگ به اوراسیای بزرگ: نگرانی‌های مربوط به وضعیت و تحول روسیه برای هم‌سویی و ادغام منطقه‌ای" نوشته‌اند رویکرد روسیه برای هم‌سویی و یکپارچه‌سازی منطقه‌ای به شکل چشم‌گیری تکامل یافته است. کرملین ضمن گذار از راهبرد سنتی خود مبنی بر تمرکز بر اروپای غربی و بی‌علاقگی و غفلت از یکپارچه شدن منطقه‌ای در دهه ۱۹۹۰ تلاش‌های جدی را برای یکپارچه ساختن دوباره فضای پس از فروپاشی اتحاد شوروی با هدف تشکل اوراسیای بزرگ دنبال کرده‌اند. سوکولسکی و رومر (۲۰۲۰) در گزارشی با عنوان "روابط روسیه و آمریکا در سال ۲۰۳۰" که در مؤسسه کارنگی چاپ شده است، گفته‌اند روابط آمریکا و روسیه در پایین‌ترین سطح خود از زمان پایان جنگ سرد قرار دارد. به شکلی که همه

گفت‌وگوهای سطح بالا میان دو کشور متوقف شده است. با تداوم روند کنونی نمی‌توان در آینده نزدیک به بهبود روابط دو طرف امیدوار بود. البته بعید به نظر می‌رسد که این وضعیت تا سال‌های متمادی تداوم داشته باشد؛ همان‌گونه که در دوره جنگ سرد دو کشور گفت‌وگوهای محدود اما معناداری را بین خود تجربه کردند.

بررسی تحقیقات صورت‌گرفته نشان‌دهنده این است که این مطالعات زمان اخیر را پوشش نمی‌دهند و در هیچ یک از پژوهش‌های انجام‌شده در مورد نقش جمهوری خلق چین در بحران اوکراین ۲۰۲۲ تحقیقی به صورت مشخص صورت نگرفته است. از نظر ضرورت پژوهش، شاید بهتر است عنوان کنیم به صورت شاخص بررسی کنش میان دو قدرت نوظهور که در میانه جنگ اوکراین به یاری یکدیگر، البته نه به آن گونه که غرب به کمک اوکراین برخاسته است، درآمده‌اند برای درک نظم جدیدی که جهان شاهد آن است لازم و ضروری است در نتیجه ما به این مهم در این پژوهش خواهیم پرداخت.

۳- مبانی نظری

در سیاست و روابط بین‌الملل، فهم بهتر رفتار دولت‌ها و تبیین علمی رویدادها و پدیده‌های بین‌المللی نیازمند بهره‌گیری از نظریه‌هایی است که مفروضه‌های آن بیشترین همخوانی را با واقعیت داشته باشد. در کلی‌ترین سطح، همه نظریه‌های واقع‌گرا، جهانی را به تصویر می‌کشند که در آن هیچ سازمان یا نهادی وجود ندارد که بتواند از دولت‌ها در برابر یکدیگر محافظت کند و در آن دولت‌ها باید نگران این باشند که آیا یک متجاوز خطرناک ممکن است آن‌ها را در مقطعی در آینده تهدید کند یا خیر. این وضعیت، دولت‌ها - به‌ویژه قدرت‌های بزرگ - را مجبور می‌کند که نگران امنیت خود باشند و برای کسب قدرت با هم رقابت کنند (Walt, 2022).

به نظر می‌رسد بهترین نظریه رئالیستی که قابلیت تبیین‌کنندگی بالایی نسبت به دیگر نظریات را داشته، نظریه واقع‌گرایی تهاجمی به‌عنوان یک نظریه توصیفی - تجویزی است. جان مرشایمر یکی از سرشناس‌ترین واقع‌گرایان تهاجمی است که نظریه خود را در کتاب تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ در سال ۲۰۰۱ تدوین و ارائه کرده است. مرشایمر معتقد است دولت‌ها با محیط بین‌المللی نامعینی روبه‌رو هستند که در آن هر دولت ممکن است از قدرت خود برای صدمه‌زدن به دیگران

استفاده کند. در چنین شرایطی، توانایی‌های نسبی اهمیتی قاطع پیدا می‌کند و امنیت ایجاد می‌کند که در مقایسه با دیگر دولت‌ها تا حد ممکن قدرت بیشتری به دست آوریم. از نظر مرشایمر رئالیسم تهاجمی بر پنج مفروض استوار است: نظام بین‌الملل آنارشیک و اقتدارگریز است؛ قدرت‌های بزرگ ذاتاً دارای برخی توانمندی‌های نظامی هستند و بر این اساس می‌توانند به یکدیگر صدمه بزنند؛ دولت‌ها هرگز نمی‌توانند دربارهٔ نیت سایر دولت‌ها مطمئن باشند؛ بقا، هدف اصلی قدرت‌های بزرگ است و قدرت‌های بزرگ بازیگرانی خردمند هستند (Griffiths, 2013: 60).

هنگامی که این پنج مفروض با یکدیگر پیوند می‌خورند، انگیزه‌هایی قوی برای رفتار و افکار تهاجم‌آمیز قدرت‌های بزرگ در قبال یکدیگر به وجود می‌آورند. این امر به ایجاد سه الگوی رفتاری منتج می‌شود: ترس، خودیاری و به حداکثر رساندن قدرت. قدرت‌های بزرگ از یکدیگر می‌ترسند، آن‌ها نسبت به یکدیگر بدگمان بوده و همواره از قریب‌الوقوع بودن جنگ نگرانند. دولت‌ها همچنین در نظام بین‌الملل در پی تضمین بقای خود هستند چون در سیاست بین‌الملل خدا با کسانی است که به فکر خود باشند و به خویش یاری رسانند. این اصرار و تأکید بر اصل خودیاری، دولت‌ها را از تشکیل اتحادها باز نمی‌دارد؛ اما اتحادها تنها پیوندهایی موقتی‌اند. دولت‌ها که از نیت غایی دولت‌های دیگر در هراسند و می‌دانند که در یک نظام خودیاری عمل می‌کنند، خیلی زود درمی‌یابند که بهترین شیوه برای تضمین بقایشان این است که قدرتمندترین دولت این نظام باشند؛ چراکه قدرت کلید گنج بقاست. در نتیجه دولت‌ها توجه خاصی به نحوهٔ توزیع قدرت در میان خود دارند و کوشش بسیاری به عمل می‌آورند تا سهم خود را از قدرت جهانی به حداکثر برسانند. براساس این نظریه، قدرت‌های بزرگ همواره در پی یافتن فرصت‌هایی برای افزایش قدرت خود نسبت به رقبایشان می‌باشند و رسیدن به قلهٔ قدرت هژمون را هدف نهایی می‌دانند. در این نظریه جایی برای قدرت‌های حافظ وضع موجود ندارد. در عوض، این نظام مملو از قدرت‌های بزرگی است که اهداف تجدیدنظر طلبانه در سر دارند. از این‌رو رقابت فزاینده‌ای بین قدرت‌ها وجود دارد.

از دیدگاه مرشایمر، بحران اوکراین نشان می‌دهد که نظریهٔ رئالیسم در قرن بیست و یک نیز برای تبیین رخدادهای بین‌المللی قابلیت و توانمندی‌های بسیاری نسبت به سایر نظریه‌ها دارد و بی‌توجهی به آن باعث غافل‌گیری نخبگان می‌شود. براساس نگاه جان مرشایمر «نباید از سیاست تهاجمی پوتین شگفت‌زده شد. غرب به حیاط‌خلوت روسیه نفوذ کرده و منافع استراتژیک و مهم این کشور را به خطر

انداخته بود و این دقیقاً همان نکته‌ای بود که خود پوتین نیز بارها بر آن تأکید کرده است. تنها دلیل غافل‌گیری نخبگان در آمریکا و اروپا این بود که بر دیدگاهی نادرست دربارهٔ سیاست بین‌المللی صحه گذاشتند. آن‌ها می‌خواهند باور کنند در قرن بیست و یکم منطق رئالیسم دیگر کاربرد آن چنانی ندارد و به همین دلیل هم اروپا را نمی‌توان براساس اصول لیبرالیسم چون حاکمیت قانون، وابستگی متقابل اقتصادی و دموکراسی رها کرد» (Mearsheimer, 2014:2) رقابت روسیه و آمریکا در بحران ۲۰۲۲ اوکراین و همراهی شی جینگ پینگ با پوتین را می‌توان در قالب نظریهٔ رئالیسم تهاجمی تبیین کرد، روسیه تلاش می‌کند با توجه به گسترش ناتو به شرق اروپا موازنهٔ قوا را با تا حدودی با کمک چین در آن جا حفظ نماید و در طرف مقابل هم آمریکا با هدف پیشینه‌سازی قدرت خود تلاش دارد ناتو را به سمت شرق اروپا گسترش دهد که این مسئولیت را در حال حاضر به اوکراین در حال تجزیه احاله کرده و از آن کشور حمایت مالی و تسلیحاتی می‌نماید. بنابراین در ادامه براساس این منطق سعی در توصیف و تحلیل رفتارهای بازیگران موجود در بحث اوکراین هستیم.

۴- روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر روش‌شناسی توصیفی-تحلیلی است و از نظر دستاوردهای علمی می‌تواند برای جامع هدف کاربردی تلقی شود. از آنجاکه در یک تحقیق توصیفی محقق دخالتی در متغیرها و کنش و واکنش آنان ندارد و تنها بازگوکنندهٔ شرایط موجود است، بنابراین شمایل کلی پژوهش حاضر در چهارچوب توصیف رخدادهای موجود در بحث عملیات ویژهٔ روسیه در اوکراین و دنباله‌دار شدن آن است. از سوی دیگر پژوهش پیش رو در بستر تحلیل جای می‌گیرد؛ زیرا علاوه بر توصیف رخدادها به تحلیل و روشن‌تر کردن ابعاد آن برای جامعهٔ هدف می‌پردازد و سعی بر آن دارد تا با ایجاد شناخت بیشتر حوادث پیرامون روسیه و اوکراین کاربردی علمی و شناختی برای کشور و محققان داشته باشد. ابزار مورد استفاده در پژوهش از منظر گردآوری اطلاعات اسنادی و کتابخانه‌ای و استفاده از منابع معتبر اینترنتی است.

۵- جنگ به عنوان ابزار واقعی سیاسی در اوکراین

جنگ‌ها نه تنها ریشه‌های پیچیده‌ای دارند، بلکه در طی قرن‌ها استراتژیست‌های مختلف نظرات راهبردی و مهمی در مورد جنگ داده‌اند که البته یکی از بزرگ‌ترین آن‌ها کلاوزویتس است که احتمالاً بیش از هر نویسنده دیگری در تاریخ مدرن، نقل قول‌های قابل نقل بیشتری را برای نسل‌های بعدی به ارث گذاشته است. همه ما جمله معروف او که "جنگ ادامه سیاست با ابزارهای دیگر است" را خوانده‌ایم. ما حتی ممکن است تعریف او از جنگ را به عنوان تلاش یک طرفه برای تحمیل اراده خود بر طرف دیگر با زور اسلحه به یاد بیاوریم. اما چه تعداد از ما سخنان او را در مورد سادگی جنگ به خاطر می‌آوریم: "همه چیز در جنگ بسیار ساده است تا زمانی که به ناچار دشوار شود". در واقع مدل رفتار پوتین در جنگ همانند این سخن کلاوزویتس رفته رفته مشکل‌تر شد و آینده قابل پیش‌بینی جنگ در اوکراین را دشوار ساخت (Holmes, 2022: 2). در واقع آن چه در اوکراین در حال رخ دادن است، نمود بارز جهان در حال دگرگونی است. شاید برخی آن را همانند شرایط پیش از جنگ‌های جهانی بدانند و برخی دیگر آن را همانند دوران جنگ سرد و مبارزات در زمین سوم میان قدرت‌ها تلقی کنند. اما آن چیزی که قابل کتمان نیست، گروه‌بندی بین‌المللی در این عرصه برای حمایت یا عدم حمایت از سیاست پوتین است. در حقیقت آن چه در اوکراین یا حتی در نظام بین‌الملل در حال رخ دادن است، همانند سخن کلاوزویتس دیگر به سادگی قابل تبیین نیست. شاید بتوان گفت جهان تقسیم شده به بلوک شرق و غرب از میانه خاکسترهای جنگ اوکراین در حال بلند شدن است امری که بیش از پیش چهره سیاسی جنگ‌ها را به خاطر می‌آورد.

با این نگاه اوکراین مرکز رقابت میان قدرت‌ها برای بقا است. روسیه و در نگاه دورتر چین حلقه‌های آتشینی هستند که امریکا و متحدینش باید از آن عبور کنند تا سیستم کنونی را بتوان حفظ کرد و برای حفظ چنین سیستمی چاره‌ای جز حفظ اوکراین ولو با حمایت گسترده ندارند. هرچند از ابتدا روسیه همواره کل جغرافیای اوکراین را هدف نهایی خود ندانسته بود و بیش از هر چیز بر نگه داشتن شرق اوکراین اشاره داشت اما این دیدگاه مخالفانی را در سوی دیگر میدان دارد. مخالفانی که عقب‌نشینی‌های روسیه را ناشی از خطای محاسباتی شخص پوتین و مشاوران نظامی آن دانسته‌اند. در مجموع این دیدگاه‌ها چیزی که در صحنه میدان وجود دارد دنباله‌دار شدن این تنش بوده است. تنشی که هرچه طولانی‌تر می‌شود، کشورهای غربی بیشتری پشت سر اوکراین قرار می‌گیرند (Ganguly, 2022).

بنابراین با این نگاه روسیه خطری است که باید تا پشت مرزهای کشورهای شورش عقب رانده شود بنابراین با درک این واقعیت بهتر می‌توان نحوه رفتار کشورهای غربی و دیگر دولت‌ها را درک کرد.

غرب و اروپا همانند متحدینی وفادار به اوکراین به‌عنوان کشوری اروپایی به حمایت از اوکراین پرداخته و به آن کمک تسلیحاتی دارند اما در مقابل کشورهای چینی هرچند بسیار ضعیف‌تر در کنار روسیه ایستاده‌اند. برای نمونه در راستای حمایت اروپاییان، نخست‌وزیر انگلیس لیز تراس، در امتداد سخنرانی زلنسکی در سازمان ملل، نه تنها خواستار تشدید واکنش غرب نسبت به تهاجم روسیه شده بود، بلکه به نظر می‌رسید که بریتانیا را در رأس ائتلاف گسترده‌تری از دموکراسی‌هایی قرار داده بود، که شدیداً از حمایت ارضی اوکراین دفاع می‌کند (Gov.UK, 2022). با وجود چنین دیدگاهی در میان سران انگلستان که سردمدار حمایت از اوکراین از ابتدا تا زمان نوشتن مقاله بوده‌اند، همه با تمایل تراس برای افزایش فشار بر روسیه موافق نبودند. در حقیقت، تعدادی از رهبران نظرات محتاطانه‌تری داشتند، بسیاری از آن‌ها اصرار داشتند که اکنون زمان آن نیست که فشار را بر یک ملت زخمی وارد کنیم، اما در عوض به این درگیری ناگوار قبل از انتقال به کشور دیگری پایان دهیم. با وجود این، نه تنها اتحادیه اروپا در ماه سپتامبر ۲۰۲۲ تصمیم به افزایش تحریم‌ها علیه روسیه گرفت، بلکه آلمان نیز سیاست‌های سختی را نسبت به روسیه آغاز کرد (The Economist, 2022). چنین رفتاری از جانب آلمان که همواره سعی در ایجاد آرامش میان طرفین داشت و نشان داده بود که به انرژی روسیه برای بخش اقتصادی خود نیاز دارد، بیانگر عمیق‌تر شدن بحث اوکراین بود.

علاوه بر حمایت‌های سیاسی برای جلوگیری از روند پیشرفت روسیه در اوکراین، تاکنون آنان حمایت گسترده‌ای در بخش‌های دیگر همانند رسانه‌ای و تسلیحاتی از این کشور انجام داده‌اند. از نمونه تلاش‌هایی که کشورهای اروپایی در عرصه رسانه‌ای برای اوکراین داشته‌اند می‌توان به یک مجله انگلیسی که تصویر پوتین را همانند موشی که در گوشه‌ای گیر کرده بود، اشاره کرد. این عمل زمانی از سوی این مجله رخ داد که نیروهای اوکراینی موفقیت‌هایی را در عرصه زمینی به دست آورده بودند (TASS News Agency, 2022). از سوی دیگر در رسانه‌های اروپایی به خروج جوانان روسیه از این کشور بسیار پرداخته شد و آن را به‌عنوان ضربه‌ای به روح ملی در روسیه عنوان کردند. آنان با نشان دادن تلاش این جوانان برای خروج از کشور برای آنکه با اوکراین وارد جنگ نشوند به دنبال آن بودند تا نشان دهند که مردم روسیه، به‌ویژه نسل جوان آن از سیاست‌های پوتین

حمایت نمی‌کنند (Lieven, 2022). در حقیقت این عمل نشان از آن داشت که کشورهای اروپایی از ابزارهای مختلف سخت و نرم برای مقابله با قدرت چالش‌زا یعنی روسیه استفاده می‌کنند تا خطر را دفع نمایند عملی که پوسته اصلی اندیشه واقع‌گرایی تهاجمی است.

بنابراین استفاده از ابزار رسانه و حمایت دولت‌ها در هر دو سوی میدان نشان داد که عصر پیش‌بینی از میزان قدرت یک کشور هنوز فرانسیده است. هنوز هم نمی‌توان به صورت مشخص نشان داد که زمانی که جنگی آغاز می‌شود چه میزان موفقیت در چه مدت زمانی به دست می‌آید. بنابراین آن چیزی که در تنش میان روسیه و اوکراین به صورت مشخص به ایفای نقش پرداخت؛ حمایت دولت‌های اروپایی و غربی از اوکراین، استفاده از ابزار رسانه از هر دو سو، مقاومت درون خود اوکراین و تلاش پوتین و روسیه برای حفظ مناطق شرقی اوکراین است. در حال حاضر روسیه با سرزمین‌هایی که از اوکراین به تصرف در آورده است امیدوار است که بتواند وضعیت را در اوکراین تثبیت و سپس مانع تغییر این وضع شود (Cox, 2022: 12). در نتیجه آن چیزی که در عرصه عملیاتی در اوکراین در حال وقوع است، برابری قدرت طرفین و فرسایشی شدن جنگ است. جنگی که در سویی از میدان اروپاییان و در رأس آن آمریکا خواهان پیروزی قاطع اوکراین هستند و در سوی دیگر روسیه حاضر به عقب‌نشینی از مناطق شرقی اوکراین که به تصرف خود درآورده است، نیست. بنابراین این رویارویی می‌تواند قدرت‌ها را در برابر یکدیگر مجبور به صف‌آرایی و در نتیجه یک رقابت جدی کند. عملی که به صورت مشخص با نزدیکی روسیه و چین به یکدیگر و از سوی دیگر آمریکا و اروپا می‌توان به صورت کاملاً مشهود مشاهده کرد. بر همین اساس آگاهی نسبت به روابط چین و روسیه در بحبوحه این جنگ در ادامه پژوهش می‌تواند بیش از پیش موجب درک ابعاد مختلف رقابت پیش آمده شود.

۶- سیاست چین نسبت به جنگ اوکراین

واکنش چین به تحولات اوکراین همان چیزی بود که در اکثر جنگ‌ها انجام می‌دادند، یعنی از همه طرف‌ها می‌خواستند که از جنگ دست بکشند، با وجود این، هیچ چیز انتقادی درباره روسیه یا حمایت از اوکراین در گفتار و عمل سیاست‌مداران چینی به چشم نمی‌خورد. شاید بتوان این دیدگاه را در نظر گرفت که پوتین قبلاً به شی اطمینان داده است که او هنوز گزینه‌هایی دارد که حتی اگر

شامل پیروزی بر کل اوکراین نباشد، ممکن است از ادعای پیروزی غرب جلوگیری کند و به مرور زمان جنگ را به پایان برساند، دو هدفی که پکن را راضی نگه خواهد داشت (Godemont, 2022). اما چیزی که در مورد رئیس‌جمهور چین وجود دارد آن است که شی که هیچ‌گاه عجولانه عمل نکرده، همواره از روسیه و اوکراین خویشترداری و مذاکره را طلب کرده است. این عمل در نشست سمرقند و سپس در سفر به روسیه اجرا شد (Chunshan, 2022). البته این عمل دور از ذهن نبود؛ زیرا همواره چین تلاش داشته است در موارد سیاسی خویشترداری باشد و به نوعی سیاست پنهان خود را دنبال کند.

اما چیزی که پیداست و نمی‌توان آن را نادیده گرفت آن است که با وجود درخواست‌های چین و اقدامات این کشور برای مذاکرات صلح میان طرفین، روابط مطلوب آن با روسیه از اهمیت بسزایی برخوردار است. این دو کشور با وجود اختلاف دیدگاه‌هایی که بعضاً با یکدیگر دارند اما به گونه‌ای پیش رفته‌اند که برخی از تحلیل‌گران غربی اکنون این رابطه را یک بحران بزرگ پیش رو دانسته‌اند. از آنجاکه بحث تایوان برای پکن دارای اهمیت است، بنابراین شی از بیانیه حمایت پوتین از اصل چین واحد استقبال کرده است. ریاست جمهوری چین همچنین از روابط دو کشور در زمینه‌های دارای منافع مشترک اقتصادی و امنیت استقبال کرده است. او همچنین تأکید داشته است که چین آماده همکاری با روسیه در مورد طیف وسیعی از موضوعات است تا هر دو کشور به منافع اصلی خود دست یابند. چنین رفتاری از جانب چین نشان می‌دهد که سطح روابط مسکو و پکن همانند تحلیل‌های غربی می‌تواند یک چالش بزرگ برای رقبا باشد (Dasheng, 2022). سفر شی به روسیه و رفتار صمیمانه‌ای او در پیش‌روی رسانه‌ها در کنار پوتین این سیگنال را به جهان مخابره کرد که جنگ روسیه و اوکراین صرفاً رقابت میان دو کشور نیست. در واقع قرارگیری رقبای چین همانند آمریکا در کنار اوکراین و ایجاد تنش این کشور در تایوان بر علیه چین موجب شده است که بیش از پیش سیاست‌های حمایتی چین از روسیه آشکار شود. سیاست‌هایی که در نهایت با عناوینی همچون همکاری راهبردی میان روسیه و چین خود را نشان می‌دهد.

۱-۶- همکاری راهبردی روسیه و چین

همکاری می‌تواند از دشمنی واحد تا منافی واحد نشأت گرفته باشد. در واقع دیدگاه رئالیستی به ما می‌فهماند آن چیزی که منجر به همکاری موقت و یا دنباله‌دار میان کشورها می‌شود بعضاً می‌تواند

برخاسته از ترس آنان و یا دیدگاه‌های مشترک آن در یک موضوع باشد. این تفکر را می‌توان در مورد روسیه و چین ملاحظه کرد. دیدارهای پوتین و شی به‌عنوان قدرت‌های تجدیدنظرطلب در نظام بین‌الملل و برگزاری مانورهای مشترک میان آنان نشانه آشکاری از همکاری امنیتی است. علاوه بر همکاری امنیتی براساس داده‌های موجود پیوندهای اقتصادی بین دو کشور نیز حاکی از افزایش تجارت دو طرفه بود (Hmadi and Chimets, 2022). برای نمونه شاخص‌های دیگری که نشان‌دهنده همکاری راهبردی میان دو کشور چین و روسیه است در جلسه‌ای با حضور لی ژان شو، رئیس کمیته دائمی کنگره ملی خلق و عضو شماره سه کمیته دائمی دفتر سیاسی در مسکو برگزار شد، وجود دارد. لی ژان شو (که گفته می‌شود یکی از نزدیکان شی است) برای همتایان روسی خود کاملاً روشن کرد که چین همچنان در تحولات اوکراین کاملاً پشت سر مسکو ایستاده است. اندکی بعد در دیداری جداگانه با پوتین، او همچنین آن چه را که چین در تمام مدت گفته بود، تکرار کرد: اینکه تحریم‌های غرب علیه روسیه و غرب به‌طور کلی مشکل‌آفرین هستند. بنابراین، چین و روسیه برای مبارزه با هرگونه مداخله خارجی در امور داخلی خود نیاز به همکاری نزدیک‌تر دارند (VOA, 2022). بنابراین دشمنی واحد، تحریم‌های بین‌المللی، نظر تجدیدنظرطلبانه و ... موجب نزدیک‌تر شدن این دو کشور با یکدیگر شد. هرچه زمان رو به جلو می‌رود عمق روابط دو کشور به دلیل تنش آمریکا با هر دو کشور در حال فزونی گرفتن است. بنابراین جنگ در اوکراین نه‌تنها موجب انفکاک دو قدرت نشد، بلکه رفتارهای آمریکا با هر دو طرف موجب نزدیک‌تر شدن آنان به یکدیگر گردید. نشست‌ها و همکاری‌ها در طی سالیان اخیر میان پکن و مسکو رو به فزونی گراییده است؛ به گونه‌ای که علاوه بر نشست فوق، نشست دیگری که این بار در چین در سال ۲۰۲۲ برگزار شد، به همان سطح درک متقابل اشاره کرد به طوری که یکی از مشاوران کلیدی امنیت ملی پوتین - نیکولای پاتروشف - رهبری یک هیأت روسی را در دیدارهای رو در رو با مقامات امنیتی برجسته در چین بر عهده گرفت. اگرچه بیانیه رسمی کوتاهی از سوی پکن اعلام شد، اما به‌طور کلی بر یافتن راه‌ها و ابزارهایی برای تقویت بیشتر مشارکت جامع و همکاری استراتژیک بین دو کشور متمرکز بود. پس از دیدار با هیأت چینی به رهبری گوو شنگ کون، دفتر پاتروشف سپس بیانیه‌ای صادر کرد، با اشاره به اینکه هر دو طرف توافق کرده‌اند که مبادلات اطلاعاتی در مورد مقابله با افراط‌گرایی و تلاش‌های خارجی برای تضعیف نظم قانون اساسی هر دو کشور را گسترش دهند. این بیانیه به خودی خود

ممکن است قابل توجه نبوده باشد، اگرچه نشان می‌دهد که هر دو طرف تا چه حد طرف مقابل را کلید ثابت خود می‌دانند. اما آن چه قابل توجه بود این بود که مذاکره کننده اصلی روسیه، پاتروشف بود، رئیس سابق سرویس امنیت فدرال روسیه، دبیر شورای امنیت کرملین و کسی که به‌عنوان فردی بسیار نزدیک به خود پوتین شناخته می‌شد (Isachenkov, 2022). بنابراین این دیدارها و همکاری‌ها می‌تواند اهرم فشاری برای آمریکا باشد تا بیش از پیش این دو کشور را برهم‌زننده نظم لیبرالی خود بداند. اما شاید بهتر باشد علاوه بر مطالب فوق زمینه‌های این همکاری را در ادامه بدانیم؛ زیرا به‌طور قطع مجموعه‌ای از دلایل موجب شده است تا این دو کشور در سیاست بین‌الملل سعی در همکاری راهبردی با یکدیگر داشته باشند.

۱-۱-۶- زمینه‌های همکاری راهبردی روسیه و چین

اگرچه پاتروشف و لی ژان‌شو از قدرت‌های خارجی که در تلاش برای تضعیف چین و روسیه بودند در جلسه‌ای که با یکدیگر در سال ۲۰۲۲ داشتند نامی نبردند، اما کاملاً بدیهی بود که آن‌ها هر دو به کدام کشور خاص اشاره می‌کنند. به‌طور کلی از دید آنان آمریکا باید از تلاش برای حفظ نقش مسلط خود در جهان با درگیر شدن ناخواسته در اعمال هژمونی یک جانبه دست بردارد (Xinhua Net, ۲۰۲۲). از جمله مواردی که اغلب توسط مقامات چینی به آن‌ها اشاره و بی‌وقفه در مطبوعات چین تکرار می‌شود، بمباران سفارت چین در بلغراد توسط آمریکا در سال ۱۹۹۹، امتناع ایالات متحده از جنایات جنگی خود در گذشته از جمله جنایات مرتکب شده در طول جنگ در عراق، شکایات بی‌اساس از وضعیت سین‌کیانگ، استفاده غیرقانونی واشنگتن از تحریم‌ها علیه روسیه، استفاده مخفیانه و عمدتاً غیرقابل توضیح آن از آزمایشگاه‌های بیولوژیکی در خود اوکراین و شاید بیشتر از همه، این واقعیت که با تداوم حمایت نظامی از اوکراین، جنگ را ادامه‌دار کرده است.

ادعای که پکن را بیش از پیش به مسکو نزدیک می‌کند تلاش ایالات متحده برای تغییر رژیم در کشورهای است که اتفاقاً با آن اختلاف نظر دارند. پوتین که هرگز تهدید ناشی از آمریکا و غرب را کم‌اهمیت جلوه نداده است، حتی ادعا کرد که در سال ۲۰۰۴ که اوکراین یک سری تحولات داخلی را تجربه کرد، دست‌نچندان پنهان واشنگتن را دیده است. پوتین همچنین زمانی که در اوایل سال ۲۰۲۲ مجبور به مداخله برای بازگرداندن نظم در قزاقستان، همسایه نزدیک مسکو و پکن که

طولانی‌ترین مسیر زمینی را با آن داشت، حضور آمریکا را احساس کرد (Rachman, 2022). بنابراین شاید تصادفی نبود که شی جین پینگ نیز درست در میانه شانزدهمین اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای که در سمرقند ازبکستان برگزار شد، هشدار داد که بزرگ‌ترین تهدیدی که همه کشورهای منطقه با آن روبه‌رو هستند، همان چیزی است که او به‌وضوح آن را به‌عنوان انقلاب‌های رنگی اعلام کرد. رئیس‌جمهور چین به دلایل دیپلماتیک نامی را ذکر نکرد؛ اما کاملاً واضح بود که به کدام کشور خاص اشاره می‌کند. اما آن چه برای پکن بسیار نگران‌کننده و به‌وضوح در قلب اختلافش با ایالات متحده بود، موضع سیاست تهاجمی فزاینده آمریکا در قبال تایوان در چارچوب سیاست گسترده‌تر ایالات متحده برای مهار چین بود. ممکن است همه چیز در دوران ترامپ آغاز شده باشد، اما بایدن به این سیاست ادامه داده است (Xinhua Net, 2022). این تنش‌ها با شکایت تایوان از افزایش حملات چین به جزیره، استفاده از حملات سایبری، فشار بر شرکت‌های جهانی برای آنکه تایوان را در فهرست استان‌های چین قرار دهند و افزایش تکرار و مقیاس گشت‌زنی بمب‌افکن‌ها، جت‌های جنگنده و هواپیماهای تجسسی در سراسر تایوان و در اطراف تایوان افزایش یافت. چنین رفتارهایی موجب شده است تا چین را به سمت روسیه سوق دهد.

بنابراین همکاری چین و روسیه در چهارچوب واقع‌گرایی تهاجمی نشان‌دهنده آن است که این دو قدرت نظم کنونی را به چالش جدی دعوت کرده‌اند. آنان با درک این مهم که ایالات متحده می‌تواند در لیست دشمنان آنان قرار بگیرند یا دست کم می‌تواند موجب تحریک دشمنان آنان شوند به یکدیگر نزدیک شدند. درواقع مبتنی بر دیدگاه واقع‌گرایی تهاجمی این قدرت‌ها اکنون یک قدرت چالش‌زا برای نظم مدنظر ایالات متحده هستند بنابراین هر زمان سیستم تک‌قطبی توسط کسانی که خواستار تغییر تصویر آن هستند به چالش کشیده شود، باید در جهت حفظ سیستم تلاش کرد؛ زیرا در غیر آن صورت جنگ و نزاع غیرقابل اجتناب است. شاید بتوان این گونه تحلیل کرد سیاست‌های ایالات متحده پس از فروپاشی شوروی در قبال دو نیروی روسیه و چین موجب نزدیک‌تر شدن دو قدرت خواستار تغییر ماهیت سیستم شد و جنگ اوکراین و درگیری در دریای جنوبی چین و تایوان نماد بیرونی چنین سیاست‌هایی است. در نتیجه اوراسیاگرایی روسیه، اعمال قدرت همه‌جانبه چین در یک نقطه آن هم به نام حلول دنیای چندقطبی با یکدیگر اشتراک دارد شاید جهان چندقطبی از دید نواقعی‌گرایی تهاجمی دلیل خوبی باشد تا جنگ اوکراین را بتوان با آن تحلیل کرد.

نتیجه‌گیری

نوشتن در مورد تحولات سیال پیرامون همیشه دشوار بوده است و لزوماً شامل درجه‌ای از عدم اطمینان و قطعیت در درون خود هستند. با وجود این، پس از حمله روسیه به اوکراین و همچنین پس از امضای بیانیه دوره نوین بین پوتین و شی جین پینگ، تصویر بسیار واضح‌تری از اینکه چه نوع دنیای چندنظمی در پیش است آشکار شده است. تاکنون، بیانیه پوتین و شی نشان می‌دهد که رابطه بین «نظم نوین کمربند_جاده» به رهبری چین و «نظم اوراسیا» به رهبری روسیه یک رابطه به شکل همکاری بوده است؛ اگرچه مشخص نیست که شی تا کجا در حمایت از روسیه پیش خواهد رفت. جنگ روسیه در اوکراین از سوی دیگر، رابطه بین نظم بین‌المللی لیبرال و نظم اوراسیا، رابطه‌ای متضاد با پتانسیل قابل توجهی برای تشدید درگیری کنونی به جنگ بین دو نظام حتی با وجود خطر استفاده هسته‌ای را به نمایش گذاشته است.

در همین حال، درحالی‌که چین با مشکل حمایت دیپلماتیک از روسیه دست و پنجه نرم می‌کرد و در عین حال اصرار داشت که این کشور حتی یک طرف جنگ نیست، درگیری در اوکراین نه تنها بی‌وقفه ادامه یافت، بلکه بسیار به نظر می‌رسید که ممکن است تشدید شود. تنها زمان می‌گوید که چگونه ممکن است اوضاع در یک موقعیت در حال حرکت سریع رخ دهد، عدم قطعیت عنصر اصلی زمان است. اما حداقل برای آینده این امر قابل پیش‌بینی است که دو رهبر چین و روسیه در مسیری که در آن قرار دارند، ادامه خواهند داد. نه فقط به این دلیل که می‌کوشند به سمت یک نقطه مشترک در افق بین‌المللی هدایت شوند که در آن ایالات متحده و غرب رو به زوال می‌روند؛ بلکه واهمه از این امر دارند که ممکن است نابود شوند. بنابراین همکاری میان روسیه و چین پس از جنگ روسیه و اوکراین می‌تواند زمینه تغییر را از نظم فعلی به نظم چندقطبی فراهم کند. نظمی که در آن ایالات متحده نمی‌تواند به صورت یک‌جانبه تصویرساز آن باشد. مبتنی بر این حقیقت فرضیه موجود در تحقیق تا حدود بسیاری در حال تحقق است هرچند چین در نقطه ضعیف‌تری در مقایسه با غرب که از اوکراین حمایت می‌کند نسبت به حمایت از روسیه قرار داشته باشد.

فهرست منابع

- حلالخور، مهرداد و سعیدی‌راد، آرش (۱۴۰۱)، ایران- اوکراین در دوران بحران و تأثیر آن بر روابط با روسیه، سیاست و روابط بین‌الملل، دوره ۵، شماره ۱۰: ۹۸-۷۵.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا و فرحمن‌د، سارا (۱۴۰۱)، جنگ روسیه و اوکراین و آینده نظم بین‌المللی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۲۸، شماره ۱۱۸: ۸۷-۱۱۳.
- میری‌نام‌نیها، میلاد و امید، علی (۱۴۰۱)، هویت فرهنگی و منازعه روسیه و اوکراین، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۲۸، شماره ۱۱۹: ۱۵۲-۱۲۵.
- Armitage, Rebecca (2021), "China Studies the Soviet Collapse and Learned Three Lessons to Avoid a Similar Fate", ABC News, Accessed on: 2 June 2023, Available at: <https://www.abc.net.au/news/2021-12-26/ussr-collapsed-30-years-ago-china-tries-to-avoid-same-fate/100705112>.
- Chunshan, Mu (2022), "China's Public Opinion Is Shifting Away from Russia", The Diplomat, Accessed on : 6 June 2023, Available at: <https://thediplomat.com/2022/09/chinas-public-opinion-is-shifting-away-from-russia/>.
- Cohen, Roger (2022), "A Time of Unease for Democracy", The New York Times, Accessed on: 3 June 2023, Available at: <https://www.nytimes.com/2022/10/06/world/democracy-challenges.html>.
- Cox, Michael (2022), "In the shadow of the Russian revolution: Putin, Xi and the long war in Ukraine", Critique, Vol. 50, Nos. 2-3, 287-305, <https://doi.org/10.1080/03017605.2022.2135276>.
- Dasheng, Cao (2022), "President Xi Meets with Putin in Samarkand", China Daily, Accessed on: 10 December 2022, Available at: <https://www.chinadaily.com.cn/a/202209/15/WS63232120a310fd2b29e77e3a.html>
- Flockhart, T. (2016), "The coming multi-order world", Contemporary Security Policy, Vol.37, No.1, pp. 3-30. Doi. <https://doi.org/10.1080/13523260.2016.1150053>.
- Ganguly, Samit (2022), "Why Did Modi Push Back on Putin?", Foreign Policy, Accessed on: 9 December 2022, Available at: <https://foreignpolicy.com/2022/09/22/modi-putin-russia-ukraine-war-india-sco/>.
- Godemont, Francois (2022), "China's Foreign Policy: It's Time for a Return to Low Profile", Institut Montaigne, Accessed on: 16 May 2023, Available at: <https://www.institutmontaigne.org/en/expressions/chinas-foreign-policy-its-time-return-low-profile>.

- Gov.UK, (2022), "See 'Prime Minister Liz Truss's Speech to the UN General Assembly", GOV.UK, Accesses on: 2 May 2023, Available at: <https://www.gov.uk/government/speeches/prime-minister-liz-truss-s-speech-to-the-un-general-assembly-21-september-2022>.
- Griffiths, Martin (2013), "Theory of International Relations for the 21st Century", translated by: Alireza Tayeb, Tehran, Ney Publishing.
- Hickman, Joel (2022), "Why Finland and Sweden's Accession Is a Game-Changer for NATO", CEPA, Accesses on: 3 May 2023, Available at: <https://cepa.org/article/why-finland-and-swedens-accession-is-a-game-changer-for-nato/>.
- Hmaid", Antonia i and Francois Chimets (2001), "China Has Shown No Restraint in Its Trading with Russia", Le Monde, Accesses on 2 July 2023
- Holmes, Jim (2022), (What Would Clausewitz Say About Putin's War on Ukraine?), U.S. Naval Institute, Vol. 148. March. <https://doi.org/10.1177/1879366521998808>
- Isachenkov, Vladimir (2022), "Russia Seeks Closer Security Ties with China as Key Goal", The Diplomat, Accesses on: 1 March 2023, Available at: <https://thediplomat.com/2022/09/russia-seeks-closer-security-ties-with-china-as-key-goal/>.
- Krickovic, Andrej and Pellicciari, Igor (2022), "Greater Europe" to "Greater Eurasia": Status concerns and the evolution of Russia's approach to alignment and regional integration", Journal indexing and metrics, Vol.12, No. 1.
- Lieven, Anatol (2022), "Tick-Tock: Putin Escalation Begins Countdown of Diplomacy Clock", Responsible Statecraft, Accesses on: 3 March 2023, Available at: <https://responsiblestatecraft.org/2022/09/22/tick-tock-putin-escalation-begins-countdown-of-diplomacy-clock/>.
- Nam Nihad Miri, Milad and Omid, Ali (2022), "The role of cultural identity in the escalation of the conflict between Russia and Ukraine", Central Asia and Caucasus Studies Quarterly, 28th year, number 119, 158-129.
- Rachman, Gideon (2022), "Russia and China's Plan for a New World Order", Financial Times, Accesses on: 7 June 2023, Available at: <https://www.ft.com/content/d307ab6e-57b3-4007-9188-ec9717c60023>.
- Sokolsky, Richard and Rumer, Eugene (2020), "U.S.-Russian Relations in 2030", Carnegie, Accesses on: 23 December 2023, Available at: <https://carnegieendowment.org/2020/06/15/u.s.-russian-relations-in-2030-pub-82056>.

- TASS News Agency, Moscow (2022), “Putin Says West Seeking to Weaken and Destroy Russia”, 12 May 2023, Available at: <https://tass.com/politics/1511161> .
- The Economist (2022), “Thanks to Vladimir Putin, Germany has Woken Up”, Accesses on: 10 May 2023, Available at: <https://www.economist.com/leaders/2022/08/11/thanks-to-vladimir-putin-germany-has-woken-up>.
- Vladimir Putin (2022), “Speech and the Following Discussion at the Munich Conference on Security Policy”, Accesses on: 9 May 2023, Available at: <http://en.kremlin.ru/events/president/transcripts/copy/24034>.
- Voice of America (VOA) (2022), “China Legislator Criticizes Sanctions on Visit to Russia”, Accesses on: 5 May 2023, Available at: <https://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=&ved=2ahUKEwiOqubSxfuEAxXkgv0HHRtQBrMQFnoECB0QAO&url=https%3A%2F%2Fwww.voanews.com%2Fa%2Fchina-legislator-criticizes-sanctions-on-visit-to-russia-%2F6740195.html&usg=AOvVaw1hrJBpTnt9XuBwK5DCx8Qr&opi=89978449>.
- Walt, Stephen (2022), “An International Relations Theory Guide to the War in Ukraine”, foreign policy, Accesses on: 3 May 2023, Available at: <https://foreignpolicy.com/2022/03/08/an-international-relations-theory-guide-to-ukraines-war>.
- Xinhua Net (2022), “China Refutes U.S Claim Concerning AUKUS Cooperation”, Accesses on: 2 May 2023, Available at: http://www.news.cn/english/northamerica/2021-12/17/c_1310379545.htm.
- Xinhua Net (2022), “China’s Puts Forward Two Lists During Talks with Visiting Deputy Secretary of State”, Accesses on: 16 May 2023, Available at: http://www.xinhuanet.com/english/2021-07/26/c_1310087197.htm.